

اشتغال دانش آموختگان کشاورزی: الزامات و راهکارها

دکتر فتح اله آقاسی زاده^۱

چکیده

بیکاری چالشی پیش روی کشور محسوب می شود که بویژه در برنامه های توسعه کشور لزوم برنامه ریزی برای کاهش نرخ آن مورد توجه قرار گرفته است.

آنچه که در ادبیات موضوع بیکاری در سالیان اخیر به چشم می خورد، پیشی گرفتن نرخ دانش آموختگان دانشگاهها از متوسط نرخ بیکاری کشور می باشد. وقوع این پدیده بطور طبیعی موجب نگرانی برنامه ریزان و سیاستگذاران کشور شده است و بویژه متولیان آموزش عالی را با این پرسش روبرو ساخته است که چگونه باید با این چالش مواجه شد؟

بنظر میرسد در شرایطی که اقتصاد مبتنی بر دانش و دانایی محوری بعنوان یکی از سیاستهای کلان کشور محسوب می شود، افزایش نسبت شاغلین متخصص به شاغلین کل کشور شاخص قابل بررسی در این خصوص باشد. بررسی این شاخص نشان می دهد که نسبت آن در طول سالیان مختلف از تغییر محسوس مورد انتظاری برخوردار نبوده است و بطور خاص در بخش کشاورزی این نسبت تاسف برانگیز است، بطوریکه کمترین میزان شاغلین متخصص در این بخش حضور دارند. اشتغال دانش آموختگان کشاورزی با توجه به اهمیت همین شاخص در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. ابعاد مورد تاکید این مقاله، کنکاش در دو مقوله «چرای» و «چگونگی» اشتغال دانش آموختگان کشاورزی می باشد. پژوهش از حیث روش نوعی تحقیق توصیفی بشمار می رود و اطلاعات پژوهش بر مبنای مطالعات کتابخانه ای و نیز تجارب محقق فراهم آمده است. مقصود از آموزش کشاورزی در این گفتار، آموزشهای رسمی در مقاطع عالی می باشد. در تعاریف کلی، آموزش کشاورزی شامل مجموعه آموزشهای رسمی و غیررسمی است که با تمرکز بر موضوعات کشاورزی به مخاطبان ارائه می شود. آموزشهای رسمی کشاورزی نیز در مقاطع دبیرستان تا دانشگاه تفکیک و طبقه بندی شده است.

^۱-دکترای ترویج و آموزش کشاورزی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

مقدمه:

رویکردهای نوین در توسعه پایدار، توجه به منابع انسانی را عمیقاً توصیه می‌نمایند. به همین جهت دولت‌ها و جوامع، تلاشهای مضاعفی را برای تعمیق فعالیتهای آموزشی در جهت توانمندسازی منابع انسانی مبذول نموده‌اند. گسترش آموزش عالی بعنوان یکی از متغیرهای توسعه انسانی در جمهوری اسلامی ایران، در برنامه‌های توسعه از جایگاهی مورد توجه برخوردار بوده است، در برنامه چهارم توسعه، تلاش برای دستیابی به اقتصادی متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین بعنوان یکی از سیاستهای کلی در نظر گرفته شده است (۹). همچنین در همین ارتباط در برنامه چهارم توسعه کشور، فصلی ویژه به توسعه مبتنی بر دانایی اختصاص یافته است که آموزش عالی در مفاد آن مورد تاکید قرار گرفته است که از جمله می‌توان به مضامین ذیل اشاره نمود:

زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش‌مدار، خلاق و کارآفرین، منطبق با نیازهای نهضت

نرم‌افزاری، با هدف توسعه کمی و کیفی از ابتدای برنامه چهارم (ماده ۴۹)

پاسخگویی مناسب به افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی (ماده ۵۰)

نقش دانش و فناوری و مهارت، به عنوان اصلی‌ترین عوامل ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد نوین (ماده ۴۳)

دولت (ماده ۴۵)

تربیت نیروی انسانی روزآمد در فرایند پژوهش و فناوری و توسعه مرزهای دانش بعنوان مأموریتی برای دولت

(ماده ۴۶)

همچنین دولت در ماده ۴۵ موظف شده است که برای گسترش بازار محصولات دانایی محور و دانش‌بنیان

اقدامات لازم را بعمل آورد. (۹)

از همین منظر است که آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران همواره در حال گسترش بوده است، بطوریکه تعداد دانشجویان بخش آموزش عالی از ۱۷۵,۶۷۵ نفر در سال ۱۳۵۷ به ۱,۵۳۳,۰۷۳ نفر در سال ۱۳۸۱ رسیده است، یعنی حدوداً طی ۲۴ سال ۹ برابر شده است. (۱۱)

اما موضوعی که همواره مورد مناقشه بوده است، تاکید بر رویکرد تقاضای اجتماعی در گسترش آموزش عالی (در برابر تقاضای بازار) کشور می‌باشد. از گذشته تاکنون، با مهم شمردن رویکرد تقاضای اجتماعی، همواره بر ظرفیت دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور افزوده شده است که ایجاد ظرفیتهای نوبت دوم و شبانه، دانشگاههای خصوصی و غیرانتفاعی در همین راستا قابل ذکر است. اما اتکاء به رویکرد تقاضای اجتماعی و غفلت از تقاضای بازار کار در برخی حیطه‌های آموزشی از جمله قلمرو کشاورزی و منابع طبیعی مورد انتقاد می‌باشد، چرا که افزایش تضادها و تعارضاتی را بدنبال

خواهد داشت. رشته‌های کشاورزی بدلیل وابستگی خاص خود به عرصه اقتصاد، پیوند ویژه‌ای با ملاحظات اقتصادی، بازار و بخش اجرایی کشاورزی دارد. در این رشته‌ها، در مقایسه با رشته‌هایی چون علوم انسانی، رویکرد تقاضای اجتماعی در مراتب اهمیت یکسانی قرار ندارد.

دقیقاً از همین زوایه است که در این گفتار آموزش و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی مورد توجه قرار گرفته است. ابعاد مورد تاکید این مقاله، کنکاش در دو مقوله «چرایی» و «چگونگی» اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی می‌باشد.

اهمیت موضوع

اشتغال دانش‌آموختگان همواره موضوع بسیاری از پژوهش‌ها بوده، اما اهمیت این موضوع در سالیان اخیر بیشتر محسوس است. براساس پژوهش طایی (۱۳۸۲) و با توجه به داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، جمعیت بیکار متخصص ۵۸ هزار نفری مساله‌ای اساسی برای اقتصاد ما محسوب نمی‌شده است، اما آنچه اهمیت دارد، افزایش جمعیت بیکار متخصص طی سالهای ۷۸-۱۳۷۵ و سال‌های بعد از آنهاست که بسیار مهم و چشمگیر است و می‌باید مورد تحلیل و مدنظر قرار گیرد. (۱۶)

گزارش‌های موجود از جمله گزارش سیمای بازار کار ایران، نشان می‌دهند که تحصیلکردگان دانشگاهی، بیکاران آینده کشور را تشکیل می‌دهند. در سال ۱۳۸۱ جویندگان کار ثبت نام شده دارای تحصیلات دانشگاهی (لیسانس) در مقایسه با سال قبل از آن، ۲۲٫۸۸ درصد افزایش داشته است. (۲۲)

مطالعات امینی (۱۳۸۳) نشان می‌دهد که تعداد کل بیکاران دارای تحصیلات عالی از ۵۸۱۴۵ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳۰۴۷۳۶ نفر در سال ۱۳۸۸ افزایش می‌یابد. (۴)

نرخ بیکاری نیروی کار دارای تحصیلات عالی از ۳/۹ در سال ۱۳۴۵ به ۱۲/۵ در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. (۱۲) براساس نتایج طرح آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار در اردیبهشت ۱۳۸۳، نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهها به ۱۳/۹ درصد افزایش یافته است که نسبت به میانگین کل کشور، ۳/۵ درصد بالاتر می‌باشد. (۴)

در شرایطی که نرخ بیکاری نیروی کار دانش‌آموخته، نسبت به میانگین نرخ بیکاری کشور فراتر رفته است (۴)؛ شرایط ویژه‌ای ایجاد شده است که موجبات چالش‌هایی را فراهم نموده است. در چنین شرایطی موضوع اشتغال دانش‌آموختگان حائز اهمیت خاصی خواهد بود. اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی نیز با همین نگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهداف و روش

مهمترین هدف این نوشتار، بازگویی ضرورت‌های توجه به اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی و چگونگی ساماندهی آن می‌باشد. پژوهش از حیث روش نوعی تحقیق توصیفی بشمار می‌رود. اطلاعات این پژوهش بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و نیز تجارب محقق فراهم آمده است. محقق تلاش نموده است تا با تلفیق اطلاعات حاصله از مطالعات کتابخانه‌ای و تجارب خود به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهد.

بیان مساله و پرسشها:

سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی در گزارشی آورده است که در میان دانش‌آموختگان کشاورزی ۲۵ سال گذشته، ۲۸ درصد جویای کار می‌باشند که این نرخ در میان دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کشور بالاترین نرخ بیکاری می‌باشد. همچنین ۳۸ درصد دانش‌آموختگان در مشاغل غیرمرتبط با بخش کشاورزی جذب شده‌اند. (۲۰)

اما دیگر بررسی‌ها (از جمله زمانی، ۱۳۸۰) نشان می‌دهد که آمار موجود از دانش‌آموختگان کشاورزی و افراد غیر شاغل جویای کار، اکثراً از دقت لازم برخوردار نبوده و مبنای صحیحی ندارد... آمار دانش‌آموختگان کشاورزی بیکار تخمینی است و دقیق نیست. در استانهای مختلف متقاضیان کار بین ۱۵۰ تا ۹۰۰ نفر برآورد شده که در سطح ملی تعداد دانش‌آموختگان بیکاران کشاورزی حدود ۱۵۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. (۵)

صرفنظر از اطلاعات منابع مختلف و ناهمگون، نگارنده با توجه به برخی اطلاعات از جمله کمیت پذیرش دانشجوی کشاورزی، وضع اشتغال دانش‌آموختگان این گروه را، به اندازه سایر گروهها، نامناسب نمی‌داند، چراکه علیرغم افزایش تعداد دانشجویان کشاورزی، دانشجویان این گروه در انتهای جدول رده بندی قرار دارند. دانشجویان قلمرو کشاورزی و دامپزشکی در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ (بجز دانشگاه آزاد اسلامی)، ۶/۳ درصد کل دانشجویان را شامل می‌شده است و در ۶ گروه آموزشی، رتبه پنجم را از نظر تعداد داشته است. بیشترین تعداد به گروه علوم انسانی با ۴۴/۵ درصد و کمترین تعداد در گروه هنر با ۴ درصد مربوط است. (۱۶)

در همین سال در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشجویان گروه کشاورزی و دامپزشکی با ۷/۵ درصد در رتبه چهارم (از شش گروه) قرار داشته‌اند. (۱۶)

آمار دانش‌آموختگان سطوح مختلف تحصیلی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی (بجز دانشگاه آزاد اسلامی) در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱، نشان می‌دهد که از حیث تعداد گروه کشاورزی و دامپزشکی با ۷/۲ درصد جایگاه پنجم را در میان شش

گروه آموزش بخود اختصاص داده است. در همین سال در دانشگاه آزاد اسلامی، آمار دانش‌آموختگان، گویای جایگاه چهارم گروه کشاورزی و دامپزشکی با ۵/۱ درصد می‌باشد. (۱۶)

جدول شماره (۱) دانشجویان سطوح مختلف تحصیلی (بجز دانشگاه آزاد اسلامی) بر حسب گروه عمده تحصیلی سال ۱۳۸۲-۱۳۸۳

رتبه	گروه تحصیلی	تعداد	درصد
۱	علوم انسانی	۴۱۰/۷۹۲	۴۴/۵
۲	فنی و مهندسی	۲۰۴/۲۹۱	۲۲/۲
۳	علوم پایه	۱۲۱/۵۰۹	۱۳
۴	پزشکی	۹۱/۷۴۹	۱۰
۵	کشاورزی و دامپزشکی	۵۸/۳۴۵	۶/۳
۶	هنر	۳۷/۱۸۲	۴
	جمع	۹۲۳/۹۱۳	۱۰۰

ماخذ: منبع شماره ۱۶

جدول شماره (۲) دانش‌آموختگان سطوح مختلف تحصیلی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی (بجز دانشگاه آزاد اسلامی) بر حسب گروه عمده

تحصیلی سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲

رتبه	گروه تحصیلی	تعداد	درصد
۱	علوم انسانی	۴۹/۷۳۸	۳۶
۲	فنی و مهندسی	۳۴/۹۵۲	۲۵/۳
۳	پزشکی	۲۴/۳۶۵	۱۷/۵
۴	علوم پایه	۱۳/۸۰۸	۱۰
۵	کشاورزی و دامپزشکی	۹/۹۲۸	۷/۲
۶	هنر	۵/۵۵۷	۴
	جمع	۱۳۸/۳۴۸	۱۰۰

ماخذ: منبع شماره ۱۶

بر مبنای اطلاعات ماتریس گروه تحصیلی - سطح تحصیلی جمعیت بیکار متخصص در سال ۱۳۷۵، بیشترین درصد

بیکاران متخصص در گروه‌های مهندسی (۱۸/۶۲ درصد)، بهداشت و علوم پزشکی (۱۳/۴۲ درصد)، علوم انسانی

(۱۳/۲۰ درصد)، و بازرگانی و مدیریت تجاری (۹/۳۴ درصد) حضور دارند. ملاحظه می‌شود از مجموع ۲۰ رشته تحصیلی، گروه کشاورزی جنگلداری و ماهیگیری با ۸/۹۳ درصد در جایگاه پنجم قرار دارد. (۱۵)

جدول شماره (۳) توزیع جمعیت بیکار بر حسب سطوح تحصیلی در رشته تحصیلی (۱۳۷۵)

درصد	گروه‌های تحصیلی (یونسکو)
۹/۳۴	بازرگانی و مدیریت تجاری
۱۳/۴۲	بهداشت و علوم پزشکی
۰/۱۰	تدبیر منزل و خانه داری
۵/۳۹	تربیت معلم و علوم تربیتی
۰/۶۴	حرفه و صنعت و فن
۳/۱۳	حقوق و علوم قضائی
۰/۱۰	حمل و نقل و ارتباطات
۰/۰۲	خدمات تجاری
۷/۸۶	علوم اجتماعی و رفتاری
۱۳/۲۰	علوم انسانی
۴/۱۹	علوم ریاضی و کامپیوتر
۸/۰۱	علوم طبیعی
۰/۰۰	عمومی
۰/۳۴	کنابداری و ارتباط جمعی
۸/۹۳	کشاورزی-جنگلداری و ماهیگیری
۲/۸۵	مذهب و الهیات
۰/۵۴	معماری و شهرسازی
۱۸/۶۲	مهندسی
۱/۳۳	نامشخص و اظهار نشده
۰/۶۸	هنرهای زیبا
۱/۳۲	سایر رشته‌ها
۱۰۰	جمع

منبع: ماخذ شماره ۱۵

بنابر اطلاعات پیش گفته، بنظر میرسد دانش آموختگان کشاورزی از حیث اشتغال، در مقایسه با سایر گروه‌ها و رشته‌های تحصیلی وضع اندک مناسب‌تری دارند، اما این بدان مفهوم نیست که موضوع اشتغال این گروه بعنوان یک چالش، محسوب نمی‌گردد. شاید یکی از دلایل بحرانی نبودن وضع اشتغال دانش آموختگان این رشته‌ها، عدم رغبت به اشتغال پس از

دانش آموختگی باشد. در حالیکه در برخی رشته- مکان های دانشگاهی، از جمله باغبانی، بیش از ۹۰ درصد پذیرفته شدگان و دانش آموختگان دختر می باشند، این فرض محتمل می رسد.

با این وصف، از آنجائیکه سهم شاغلین دارای آموزش عالی بخش کشاورزی در طی دهه های اخیر ثابت مانده است (۱۲)، پیش بینی می شود در سالهای آتی، وضع نامناسب دانش آموختگان کشاورزی تجلی بارزتری پیدا کند. مطالعات نیز (زمانی، ۱۳۸۰)، گویای آنستکه بحران بیکاری دانش آموختگان کشاورزی در دهه ۱۳۸۰ تشدید خواهد یافت. بر مبنای بررسی طرح برآورد نیروی انسانی موسسه پژوهش و برنامه ریزی درسی که در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است، میانگین مدت بیکاری دانش آموختگان کشاورزی حدود ۲ سال-۲۲ ماه-۵ می باشد (۵). بر همین مبنای، بیکاری دانش آموختگان کشاورزی، با پارامترهایی چون نوع دانشگاه، معدل و رشته تحصیلی بی ارتباط نیست:

میانگین مدت بیکاری دانش آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی از دانش آموختگان دانشگاههای دولتی بطور معنی دارتری بیشتر است. رابطه منفی و معنی دار بین مدت بیکاری با معدل دوره تحصیلی وجود دارد.

بیشترین بیکاران (البته در نمونه پژوهش)، دانش آموختگان رشته زراعت (با ۴۲/۹ درصد) می باشند. پس از آن به ترتیب رشته گیاهپزشکی (۱۲/۸ درصد) و باغبانی (۱۱/۷ درصد) در مراتب دوم و سوم قرار دارند. با فاصله ای معنی دار دانش آموختگان رشته های آبیاری (۶/۱)، آموزش و ترویج (۶/۱)، اقتصاد کشاورزی، خاکشناسی و علوم دامی هرکدام با (۵/۶)، و ماشین های کشاورزی با ۳/۶ درصد قرار دارند. (۵)

اشتغال دانش آموختگان کشاورزی بویژه از منظر دانش بری تولید کشاورزی و تاثیر آن بر تعداد شاغلین متخصص کشاورزی حائز تعمق است. در شرایطی که جمعیت شاغل با سطوح تحصیلی آموزش عالی یا جمعیت متخصص کشور که به نوعی میزان دانش بری تولید را نشان می دهد، همواره از روند افزایشی برخوردار بوده است (۱۵)، وضع در بخش کشاورزی تلخ و تاسف انگیز است.

بنابر آمار، جمعیت شاغل متخصص از ۱ درصد (معادل ۷۳۷۶۱ نفر) در سال ۱۳۴۵ به ۹/۶ درصد (معادل ۱/۴ میلیون نفر) در سال ۱۳۷۵ رسیده است (۱۳). در سال ۱۳۸۳ این شاخص به ۱۳/۱ درصد رسیده است. (۱۲)

جدول شماره (۴) جمعیت شاغل و جمعیت شاغل متخصص در سالهای ۷۵-۱۳۴۵

۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	
۱۴/۵۷۱/۵۷۲	۱۱/۰۰۱/۵۵۱	۸/۷۹۹/۴۲۰	۷/۱۱۵/۲۴۴	کل جمعیت شاغل
۱/۴۰۲/۶۱۷	۴۹۷/۲۸۶	۲۶۸/۲۹۶	۷۳/۷۶۱	جمعیت شاغل متخصص
۹/۶۳	۴/۵۲	۳/۰۵	۱/۰۴	نسبت جمعیت شاغل متخصص به جمعیت شاغل

ماخذ: منبع شماره ۱۲

در بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۸۳، بیشترین درصد شاغلین دانش‌آموخته (عالی)، در بخش خدمات با ۲۴/۵ درصد حضور داشته‌اند. صنعت با ۳/۸ درصد و کشاورزی با ۱/۹ درصد در مراتب بعدی قرار دارند. (۱۲)

بررسی درصد شاغلین دارای آموزش عالی در کل اقتصاد نشان می‌دهد که کمترین روند افزایشی به بخش کشاورزی مربوط است. (۱۲)

در سال ۱۳۷۵ شاغلین دارای آموزش عالی در کشاورزی ۰/۴۷ بوده‌اند (۱۵)، در حالیکه در سال ۱۳۸۳ این رقم به ۱/۹ درصد رسیده است. در همین مدت شاغلین دارای آموزش عالی در خدمات از ۳/۳ به ۲۴/۵ درصد ارتقاء یافته است. بنابراین چنانکه ملاحظه می‌شود همچنان درصد شاغلین دانش‌آموخته بخش کشاورزی بسیار پایین می‌باشد (۴).

بعبارت دیگر بخش کشاورزی در طی سالیان اخیر و دهه‌های گذشته توفیق چندانی در جذب دانش‌آموختگان دانشگاهها نداشته است. (۱۲)

این وضعیت ضمن بازگویی وضعیت نگران‌کننده اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی، بمنزله آنستکه پتانسیل بالقوه حاصل از افزایش دانش‌آموختگان کشاورزی به حالت بالفعل نیز تبدیل نشده است. بعبارت دیگر نیروهای دانش‌آموخته، امکان حضور تاثیر گذار و مشهود در بخش کشاورزی را پیدا نموده‌اند.

عدم فعلیت این پتانسیل حاصله، موجب آن می‌شود که یک تهدید جدی در حال و آینده بروز نماید، در حالیکه افزایش دانش‌آموختگان کشاورزی بجای آنکه یک تهدید تلقی شود، می‌تواند با یک نگاه هوشمندانه، به یک فرصت و یک نقطه قوت تبدیل شود. استفاده از این فرصت، در شرایط موجود حیاتی است، چرا که کشاورزی ایران برای حرکت در مسیر علمی و علمی نمودن کشاورزی، به این دانش‌آموختگان نیاز دارد. کشاورزی به شیوه‌های غیرعلمی یا کشاورزی سنتی همواره از چالش‌های پیش روی بخش کشاورزی ایران محسوب می‌شود، بطوریکه در اسناد برنامه‌های مختلف توسعه کشور، بر شیوه‌های سنتی کشاورزی بعنوان یکی از چالش‌های بنیادی تاکید شده است. بطور مثال پائین بودن سطح سواد و بیسوادی گسترده بهره‌برداران در برنامه‌های اول و دوم توسعه بعنوان چالش آموزش و ترویج مطرح شده است. در برنامه سوم توسعه،

با همین نگاه، هیئت وزیران در راهکارهای اجرایی جذب نیروهای متخصص و برقراری زمینه آموزش و اشتغال و مشارکت جوانان و زنان در فعالیتهای کشاورزی را مورد توجه قرار داد. (۱۴)

در برنامه چهارم توسعه، فقدان یک استراتژی مشخص برای توسعه ترویج این موضوع را همچنان به عنوان یک چالش اساسی مطرح می‌نماید (۱۱). در چنین وضعیتی پوشش اندک آموزشی - ترویجی در بخش کشاورزی بر عمق مشکل عدم توسعه دانش فنی افزوده است. آمار نشان می‌دهد که حداکثر ۳-۴٪ کشاورزان در کشور تحت پوشش آموزش‌های ترویجی قرار می‌گیرند. در اینصورت بدون تردید گسترش و ترویج روش‌های بهینه کشاورزی با سرعت بسیار کندی موجب می‌شود و نمیتوان با این پوشش اندک، امیدواری چندانی به گسترش روش‌های کشاورزی نوین و علمی داشت (۲).

بنابراین برای طی مسیر کشاورزی علمی، نوسازی سطح سواد شاغلین بخش کشاورزی الزام اساسی است که باید مورد اقدام قرار گیرد. روشن است که در چنین وضعیتی، دستیابی به کشاورزی علمی در کشور به سختی میسر خواهد بود. این وضعیت نشان می‌دهد که متاسفانه علیرغم نیاز ویژه به نیروی انسانی کارآمد، از ظرفیت دانش‌آموختگان کشاورزی بهره‌گیری نشده است و از فرصت موجود بعنوان یک نقطه قوت، بهره‌مورد انتظار حاصل نشده است. در واقع مساله به یک پدیده زیست‌شناسی گیاهی شباهت دارد: تورژسانس و پلاسمولیز. در یک سوی انباشت مایع سلولی و در سوی دیگر نیاز آبی شدید. بطور ساده‌تر این موضوع را می‌توان اینطور بیان نمود:

بخش کشاورزی ایران از سویی با عدم گسترش دانش فنی مواجه است، در شرایطی که شدیداً بدان محتاج است. از طرف دیگر نیروهای دانش‌آموخته بسیاری تربیت شده‌اند که در اصلاح وضع موجود نمی‌توانند تأثیری داشته باشند.

مساله اصلی این است که چگونه می‌توان از استمرار این وضعیت جلوگیری کرد تا بواسطه نیاز به تواناییهای دانش‌آموختگان بخش کشاورزی، این نیروها بطور منسجم مورد بهره‌برداری قرار گیرند؟

در واقع دو پرسش اصلی در این مساله، قابل طرح اند. اول اینکه چه الزاماتی، توجه به موضوع اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی را ضروری جلوه می‌دهد؟ و دوم اینکه چگونه می‌توان از پتانسیل بالقوه این دانش‌آموختگان استفاده نمود؟ پاسخ به این پرسشهای، مستلزم بررسی ابعاد مساله می‌باشد. بنابراین در این بخش تلاش می‌شود با به آنها پرداخته شود:

یافته‌ها و بحث

الف: الزامات و ضرورت‌های ساماندهی اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی

توجه به نیاز بخش کشاورزی به دانش‌آموختگان از بعد دانش فنی، جنبه مهمی از ضرورت‌های ساماندهی اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی است. اما ضرورتها و الزامات دیگری برای این مهم وجود دارند که عبارتند از:

۱- حق اشتغال:

جوهر راهبردهای معطوف به توسعه انسانی پایدار، همانا تامین معیشتی پایدار برای همه افراد است، بدین ترتیب، راهبردهای مذکور- بویژه در سطح ملی- باید بر سه مضمون اصلی تمرکز یابند: کاهش میزان فقر، ایجاد اشتغال، و یکپارچگی اجتماعی (۶)

حق اشتغال و کار بعنوان یکی از حقوق اساسی انسانها در قانون اساسی کشورمان نیز به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است. در اصل ۲۸ قانون اساسی آمده که "هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید".

بنابراین تلاش برای دسترسی افراد به این حق، یک الزام بحساب می‌آید، طبیعی خواهد بود که برای دسترسی به این حق، درک زمینه‌های شغلی و گرایش‌های شغلی افراد جامعه یک راه حل میانبر برای اتخاذ تدابیر لازم خواهد بود. در اینصورت این تفسیر مطرح خواهد بود که تمامی افراد با توجه به علائق ذهنی و حیطه تخصصی خود علی‌الاصول باید قادر به یافتن شغل مطلوب باشند. بنابراین اعتلای فرصت‌های شغلی در حیطه‌های مختلف از جمله کشاورزی از حقوقی بشمار می‌آید که در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است و تلاش برای اجرایی نمودن این اصل وظیفه‌ای ملی و ساختاری بشمار می‌رود.

۲- ابعاد روان شناختی و اجتماعی بیکاری دانش آموختگان

افزایش بیکاران دانشگاهی، بدون تردید با توجه به ویژگیهای اقتصادی کشور و محدودیت در بکارگیری و اشتغال، موجبات تعارضات روانی - اجتماعی آنها را فراهم می‌آورد (۱).

واقعیت مسلم این است که اگرچه بطور بالقوه، دانش آموختگان یک نیروی کارآفرین محسوب می‌گردند، اما وضع موجود شاهدیست بر اینکه بدلیل ساختار اقتصادی و نظام غیرکارآفرین آموزشی در دانشگاهها، دانش آموختگان جز یاس و نومیدی، آلترناتیوهای امیدوارانه‌ای را پیش روی ندارند و این نتیجه، طبیعتاً بر مصائب دیگر افزوده شده و روان پریشی‌های اجتماعی - سیاسی و فرهنگی دامنه داری را بدنبال خواهد داشت.

۳- الزام بهره‌وری در برنامه چهارم توسعه کشور

در ماده ۵ برنامه چهارم تمامی دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی مکلف‌اند در تدوین اسناد سهم ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد تولید مربوطه را تعیین کرده و الزامات و راه‌کارهای لازم برای تحقق آنها را برای تحول کشور از یک اقتصاد نهاده محور به یک اقتصاد بهره‌ور محور مشخص نمایند به طوری که سهم بهره‌وری کل عوامل در رشد تولید ناخالص داخلی حداقل به سی و یک و سه دهم درصد (۳۱/۳٪) برسد، همچنین متوسط رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار به مقدار حداقل ۳/۵ درصد برسد (۷).

ایجاد سازوکار مناسب برای رشد بهره‌وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار، آب و خاک و ...) در سیاست‌های کلی برنامه چهارم نیز مورد اشاره قرار گرفته است (۹). بنابراین روشن است که تحقق این الزام در گرو تامین منابع انسانی دانش‌آموخته می‌باشد. فقدان متخصصان دانش‌آموخته حرکت در این مسیر را با کندی مواجه خواهد ساخت. مطالعات نشان داده که افزایش درصد شاغلین دارای آموزش عالی تاثیر مثبت بر بهره‌وری نیروی کار بخش غیر دولتی اقتصاد دارد. (۴)

۴- لزوم کاهش نرخ بیکاری در مناطق روستایی

کاهش نرخ بیکاری در مناطق روستایی و شهری الزام دیگری است که موضوع اشتغال دانش‌آموختگان را مهم می‌نمایاند. بررسیها نشان می‌دهد که درصد بیکاری در مناطق شهری طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ همواره افزایش داشته است بطوریکه از ۵/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. همچنین درصد بیکاری رسمی ۹/۴ درصدی در مناطق روستایی واقعیت تلخ قابل تاملی است (۲۱). از آنجائیکه وجه غالب اشتغال در روستا به کشاورزی مربوط است، بطور طبیعی اهتمام به اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی می‌تواند در کاهش نرخ بیکاری مناطق روستایی (بطور ویژه) مفید واقع گردد.

۴- مواجهه با کاهش ضریب روستانشینی و افزایش ضریب شهرنشینی

بر اساس آمارها ضریب شهرنشینی از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش و در مقابل ضریب روستانشینی کاهش یافته است. شهرنشینی در ایران، بیش از آنکه محصول بهبود شیوه‌های تولید باشد، عمدتاً ناشی از عوامل رانشی در مناطق روستایی و عوامل جاذبه‌ای شهری بوده است.

کاهش ضریب روستانشینی، در شرایطی که شهرها نیز خود با کاهش اشتغال مولد روبروواند، نشان دهنده برخی ناموزونی‌ها در روند اشتغال روستایی کشور می‌باشد. استقرار کانون‌های نوین اشتغال در محیط‌های روستایی، با تمرکز بر توانمندیهای دانش‌آموختگان، بدون تردید موجب بهبود روند مهاجرت جوانان و دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی خواهد بود. (۶)

۵- جوان‌گرایی در شاغلین بخش کشاورزی بعنوان بدیلی برای سالخوردگی جمعیت شاغل در این بخش

مقایسه نسبت شاغلین بخش کشاورزی با سایر بخش‌ها (بر مبنای ۱۳۷۵)، نشان می‌دهد که سهم افراد واقع در گروه سنی (۲۰-۳۴) ساله شاغل در این بخش همواره کمتر از سایر بخش‌ها بوده است و در طول ۲ دهه اخیر این سهم در مقایسه با سهم افراد فوق در کل اشتغال کشور بسیار کمتر گردیده است. (۲۱)

سهم افراد ۶۵ ساله و بالاتر در بخش کشاورزی نیز همواره بالاتر از رقم متناظر در اشتغال کل کشور بوده و طی دهه (۷۵-۱۳۶۵) به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. (۲۱)

آمارهای جدید نشان می‌دهد که سهم طبقات سنی بالاتر در شاغلین بخش کشاورزی افزایش یافته است، بطوریکه بنا بر آمار سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۸۲، گروه بندی سنی بهره‌برداران کشاورزی نشان می‌دهد ۴۵/۴ درصد بهره‌برداران کشاورزی

بین ۳۵ تا ۵۴ سال و ۳۶/۲ درصد بهره‌برداران بیش از ۵۵ سال سن دارند. (۱۷)

سالخوردگی جمعیت کشاورزان ضعف نظام فنی و دانش فنی کشاورزی را تشدید می‌نماید، چرا که اشاعه تکنولوژیهای نوین و دانش روز را با دشواری مواجه می‌سازد. سالخوردگی جمعیت بهره‌برداران، ضمن کم‌بازده‌سازی آموزش‌های ترویجی، رغبت به بکارگیری روش‌های سنتی را افزایش داده و حرکت بسوی کشاورزی علمی را با کندی مواجه می‌نماید. به همین دلیل حضور دانش‌آموختگان کشاورزی جوان، یک ضرورت و الزام تلقی می‌شود.

البته باید اضافه نمود که در شرایط موجود نیروی کار فعال و جوان در بخش کشاورزی ماندگار نمی‌باشد، اما در صورتیکه عوامل تسهیل‌گر و زیرساخت‌های لازم تدارک دیده شود، می‌توان به اشتغال دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی امیدوار بود.

جدول شماره (۵) بهره‌برداری‌های کشاورزی برحسب (اشخاص حقیقی) گروه‌های سنی: ۱۳۸۲

درصد	جمع	شرح
۱۰۰,۰۳	۴۳۲۴۳۱۵	کلیه سنین
۰,۰۳	۱۳۶۲	کمتر از ۱۵ سال
۰,۴	۱۸۲۰۶	۱۵-۱۹ سال
۲,۴	۱۰۲۹۴۳	۲۰-۲۴ سال
۶,۳	۲۷۰۰۶۷	۲۵-۲۹ سال
۹,۳	۴۰۰۹۱۱	۳۰-۳۴ سال
۱۸,۴	۷۹۲۱۲۷	جمع ۱۵ تا ۳۴ سال
۱۰,۱	۴۳۶۴۳۳	۳۵-۳۹ سال
۱۲,۸	۵۵۲۴۰۴	۴۰-۴۴ سال
۱۱,۵	۴۹۸۲۴۵	۴۵-۴۹ سال
۱۱	۴۷۹۷۱۳	۵۰-۵۴ سال
۴۵,۴	۱۹۶۶۷۹۵	جمع ۳۵ تا ۵۴
۷	۳۰۳۷۴۹	۵۵-۵۹ سال
۱۰,۲	۴۴۱۸۰۰	۶۰-۶۴ سال
۶,۵	۲۸۲۱۷۷	۶۵-۶۹ سال
۷	۳۰۱۳۶۳	۷۰-۷۴ سال
۲,۷	۱۱۵۷۵۹	۷۵-۷۹ سال

۲,۸	۱۱۹۱۸۳	۸۰ سال و بیشتر
۳۶,۲	۱۵۶۴۰۳۱	جمع ۵۵ تا ۸۰ سال و بالاتر

ماخذ: منبع شماره ۱۷

۶- انسداد در اشتغال دولتی

مستندات نشان می دهد که تعداد کارکنان دولت از سال ۱۳۵۷ تاکنون رشدی بیش از ۴ برابر یافته است، تعداد شرکتهای دولتی به میزان ۳ برابر رشد نموده است و نسبت شاغلین بخش عمومی به کل شاغلین از ۱۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۳/۷ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. (۱۸)

با توجه به چنین روندی، گسترش و بزرگی اندازه دولت بویژه در سالیان اخیر، با انتقادات بیشماری مواجه شده است و اتخاذ رویه‌ها و تصمیماتی در برنامه سوم و چهارم توسعه کشور اتخاذ شده است که از جمله می توان به توقف جذب نیروی انسانی در بخش دولتی (در حد سهمیه ۵۰٪ خروجی)، و بازنگری در وظایف و نقش های دولت اشاره نمود.

از طرف دیگر در شرایط فعلی بخش دولتی همانند گذشته قادر نخواهد بود نسبت به جذب دانش آموختگان دانشگاهها اقدام نماید و بخش غیردولتی باید وظیفه اصلی ایجاد اشتغال را بر عهده بگیرد (۲). خصوصاً بودن فعالیتهای کشاورزی در کشور این الزام را دقیق تر توجیه می نماید.

دلایل ششگانه بر شمرده شده، وجوهی از ضرورت های توجه به چالش اشتغال دانش آموختگان کشاورزی را نشان داده است، اما پرسش مهمتر اینست که چگونه می توان به بهبود وضع موجود همت گمارد؟ برای راه برون رفت از شرایط فعلی دوگانه و تعارض آمیز (انباشت دانش آموختگان و نیاز شدید به دانش فنی در بخش کشاورزی)، برخی راهکارها قابل پیشنهاد است که به برخی از آنها پرداخته می شود:

ب- راهکارهای بکارگیری دانش آموختگان کشاورزی

تاکید بر هدف گزینی نظام ترویج در برنامه چهارم (توجه به ترویج مشاوره ای)

برای اولین بار در قالب برنامه های پنجساله، موضوع ترویج جایگاه ویژه ای یافته است. در این راستا بر اساس ماده ۱۸ قانون برنامه چهارم توسعه کشور دولت مکلف است ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، برنامه توسعه بخش کشاورزی و منابع طبیعی را با محوریت خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی، تأمین امنیت غذایی، اقتصادی نمودن تولید و توسعه صادرات محصولات کشاورزی، ارتقای رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی را تهیه و از طرق مختلف از جمله (ایجاد انگیزه برای جذب متخصصین توسط تولیدکنندگان و بهره برداران به منظور گسترش آموزش و ترویج با استفاده از خدمات

فنی بخش خصوصی و تعاونی به میزان حداقل سی درصد (۳۰٪) تولیدکنندگان و بهره‌برداران و توسعه تحقیقات کاربردی کشاورزی به میزان دو برابر شرایط سال پایه) به مرحله اجرا درآورد. (۹)

بدین منظور در اهداف کمی زیر بخش آموزش و ترویج برنامه چهارم ایجاد ۳۰۰۰ آژانس مشاوره‌ای ترویج خصوصی تعیین گردیده است. از آنجائیکه هر آژانس ترویج مشاوره‌ای از تعدادی دانش آموخته کشاورزی تشکیل خواهد شد، می توان امیدوار بود با این راهکار، فرصتی برای اشتغال دانش آموختگان جویای کار حاصل شود.

دگرگون سازی نیروی انسانی وزارت جهاد کشاورزی (جایگزینی)

واقعیت این است که کمیت و کیفیت نیروی انسانی شاغل در بدنه دولت (دستگاههای اجرایی) از مطلوبیت چندانی برخوردار نیست بطوریکه فراوانی نیروهای با مدارج تحصیلی غیر دانشگاهی، دولت را در مقام تفکر و مدیریت جامع با خلا اندیشه و عقلانیت مواجه می سازد. با توجه به آمار (۱۳۷۶) به ازای هر ۲ نفر نیروی کارشناس، بیش از ۸ نفر نیروی کمک کارشناس و خدماتی در دستگاههای دولتی مشغول به خدمت هستند. (۱۳)

این وضعیت البته در سالیان اخیر بهبود یافته است.. توزیع کارکنان دولت برحسب مدرک تحصیلی در ابتدای سال

۱۳۸۲ نشان می دهد که مجموعاً ۷۱/۳ درصد از کارکنان دولت دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و پائین تر هستند.

۲۴/۷ درصد دارای تحصیلات لیسانس و تنها ۴ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و دکترا می باشند. (۸)

جدول شماره (۶) آمار کارکنان دستگاههای اجرایی (مشمول و غیر مشمول قانون استخدام کشوری) و نهادهای انقلاب اسلامی در

ابتدای سال ۱۳۸۲

مدرک تحصیلی	تعداد	درصد	
کمتر از دیپلم	۵۲۰/۲۴۴	۲۲/۸	۷۱/۳ درصد
دیپلم	۶۵۰۷۰۰	۲۸/۵	
فوق دیپلم	۴۵۶/۹۱۷	۲۰	
لیسانس	۵۶۵/۱۴۴	۲۴/۷	۲۴/۷
فوق لیسانس	۵۴۸۰۲	۲/۴	۴ درصد
دکترا	۳۷/۸۷۸	۱/۶	
جمع	۲/۲۸۵/۶۸۵	۱۰۰	

آمار مذکور نیروهای نظامی و انتظامی و کارکنان وزارتخانه های اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و شرکت های وابسته و نهادهای عمومی غیردولتی (سازمان امور شهرداری ها کشور، سازمان تامین اجتماعی و ...) را در بر نمی گیرد.

ماخذ: منبع شماره ۸

علیرغم این بهبود نسبی، همچنان خلاء نیروهای کیفی دانشگاهی در بدنه اجرایی کشور محسوس است. روشن است در شرایطی که امروزه آموزش عالی در تربیت دانش آموختگان به توسعه کمیت و کیفیت همت گمارده است ادامه این وضع مطلوب نیست. بنابراین بهتر آنست که با اتخاذ تدابیری به دگرگون سازی هرم نیروی انسانی دولت و نیز بخش کشاورزی پرداخته شود. با توجه به جدول شماره ... در ابتدای سال ۱۳۸۲ در وزارت جهاد کشاورزی ۷۷/۱ درصد از کارکنان (بجز کارگران)، دارای تحصیلات فوق دیپلم و پائین تر هستند. این درصد از متوسط ملی کارکنان دولت بیشتر است. ۱۸/۳ درصد لیسانس و ۴/۶ دارای تحصیلات فوق لیسانس و دکترا می باشند. (۸)

جدول شماره (۷) آمار کارکنان وزارت جهاد کشاورزی در ابتدای سال ۱۳۸۲

مدرک تحصیلی	تعداد	درصد
کمتر از دیپلم	۵۸/۲۶۲	۴۵/۸
دیپلم	۲۸/۱۷۳	۲۲/۱
فوق دیپلم	۱۱/۶۴۶	۹/۲
لیسانس	۲۳/۲۳۸	۱۸/۳
فوق لیسانس	۴/۶۳۵	۳/۶
دکترا	۱/۳۰۷	۱
جمع	۱۲۷/۲۶۱	۱۰۰

ماخذ: منبع شماره ۸

اطلاعات مربوط به مجموع نیروهای انسانی شاغل در طرحهای عمرانی ترویج استانها بر حسب مدرک تحصیلی در سال ۱۳۷۹ نیز نشان می دهد که ۴۲ درصد نیروها از فوق دیپلم به پایین تر قرار دارند (۲).
 بهینه سازی و اصلاح ترکیب نیروی انسانی دستگاههای اجرایی، تصمیمی است که در ماده ۳ لایحه برنامه سوم توسعه کشور مصوب شده است. براساس این ماده، دولت مکلف شده است شاخص های کیفی نیروی انسانی بویژه نسبت کارکنان مشاغل تخصصی به تعداد کل کارکنان و ترکیب تحصیلی کارکنان دولت را ارتقاء دهد. بعلاوه با تعیین شاخص های مناسب بهره وری در زمینه های مختلف فعالیت دولت، برنامه ریزی لازم را برای تحقق این شاخص ها در دستگاهها از طریق ارتقاء کیفیت نیروی انسانی و بهسازی روشها و رویه ها فراهم نموده و بهره وری دستگاهها را افزایش دهد. (۹)
 بازخریدی و بازنشستگی شاغلین با سابقه کار ۲۵ سال و بالاتر و یا افراد دارای بیش از ۶۰ سال سن از جمله پیشنهادهای است که می تواند سالانه تعدادی از نیروی جوان جویند کار را که دارای انرژی و پتانسیل کار و تحصیلات عالی هستند، به استخدام درآورد. (۱۳)

بازنگری در وظایف دولت در بخش کشاورزی و اصلاح ساختار سازمانی از بعد نقشها و وظایف

تعریف نوین از دولت و نقش های آن رویکردی جهانی برای مواجهه با چالش های اقتصادی - سیاسی و اجتماعی شایع در دولت های انحصارگر و بزرگ می باشد. نظریه پردازان معتقدند دولت معاصر به امور اجرایی می پردازد در حالیکه باید هدایت نماید. به یک پاروزن شبیه است در حالیکه باید سکنداری نماید. به انجام وظایف تصدی مبادرت می نماید در حالیکه باید به انجام وظایف حاکمیتی پردازد و نقش خدمت رسانی را عهده دار است در حالیکه باید به توانمندسازی توجه نماید (۳).

با این تدابیر علی القاعده بازنگری در وظایف دولت در بخش کشاورزی و بطور عام اصلاح ساختار سازمانی در بخش کشاورزی می تواند به توسعه فرصت های شغلی برای دانش آموختگان مقاطع تکمیلی منجر شود.

کوچک سازی ساختار کشاورزی از طریق توسعه بخش خصوصی و خوداشتغالی

نیروی انسانی متخصص در بخش کشاورزی سه زمینه کلی برای اشتغال دارد: استخدام در بخش دولتی (عمومی)، فعالیت های خود اشتغالی و اشتغال در بخش خصوصی. واکاوی ها نشان داده است که بخش دولتی امکان جذب محدود و اندکی دارد، برآورد نیاز بخش دولتی به نیروی کارشناسی از طریق روش برونگیری (ادامه روند گذشته) در سالهای ۹۰-۱۳۸۰ به میزان ۶۸۴۵ نفر پیش بینی می شود که بر اساس روند استخدام دولتی کارشناسان کشاورزی در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۶۸ می باشد. با این وجود، بدلیل تنگناهای استخدام دولتی، روسای سازمانهای جهاد کشاورزی پیش بینی امکان استخدام ۳۱۲۳ نفر در سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۰ در بخش دولتی کرده اند... از همین منظر امکان جذب در بخش دولتی هر استان، ممکن است بین ۴ تا ۱۰ نفر در سال باشد. بیشترین نیاز نیز برای رشته های زراعت و اصلاح نباتات (۳۱۶۹ نفر)، علوم دامی (۷۷۲ نفر)، آبیاری (۷۰۴ نفر)، گیاهپزشکی (۷۰۴ نفر)، باغبانی (۶۱۷ نفر)، خاکشناسی (۲۶۲ نفر)، ترویج و آموزش (۲۳۱ نفر)، ماشین آلات (۲۱۰ نفر)، اقتصاد کشاورزی (۱۱۴ نفر) و صنایع غذایی (۶۲ نفر) برآورد گردید. (۵)

در قسمت خود اشتغالی نیز مشروط به حمایت های وسیع دولت است، بر اساس روند فعلی، امکان جذب حداکثر ۶۰۰۰ نفر تا سال ۱۳۹۰ بصورت خود اشتغالی خواهد بود. استعداد بالقوه جذب فارغ التحصیلان کشاورزی در حد قابل قبول که پاسخگوی مشکلات بیکاری آنان باشد، در بخش خصوصی وجود دارد. (۵)

اجرای ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت می تواند یکی از روش های پیشنهادی برای تقویت بخش خصوصی باشد. منطقی نمودن حجم و اندازه دولت، جلب مشارکت بخش غیر دولتی و توسعه اشتغال وزارتخانه ها، موسسات و شرکتهای دولتی که عهده دار ارائه خدمات اجتماعی، فرهنگی، خدماتی و رفاهی می باشند، از اهداف این قانون می باشد. در این قانون، آمده که روشهای ارائه خدمات به سه روش انجام خواهد شد:

1 خرید خدمات از بخش غیردولتی با پرداخت هزینه سرانه خدمات

2 مشارکت با بخش غیردولتی با اجاره واحدها و مراکز موجود یا نیمه تمام

3 واگذاری مدیریت به بخش غیردولتی با عقد قرارداد و پرداخت هزینه سرانه متناسب با اموال منقول و غیر منقول اجاره داده شده.

در روش واگذاری مدیریت طرف قرارداد مکلف است ضمن حفظ کاربری واحد مربوطه در صورت تقاضای کارکنان برای ادامه خدمت در آن واحدها حداقل ۵۰٪ کارکنان شاغل را بعنوان مامور بپذیرد و حقوق و مزایای آنها را طبق احکام رسمی پرداخت نماید، بقیه کارکنان در سایر واحدهای ذیربط اشتغال خواهند یافت. (۹)

ایجاد شرکتهای مکانیزاسیون کشاورزی، شرکت های توزیع نهاده ها، شرکتهای تولید نهال، گل و گیاه، تاسیس واحدهای نوغانداری، تولید گیاهان دارویی، تعاونی های تلقیح مصنوعی، و تاسیس کلینیک های گیاهپزشکی و سمپاشی بیماریهای گیاهی از جمله شیوه های گسترش بخش خصوصی و خوداشتغالی می باشد. (۵)

فراهم سازی زیرساخت های قانونی برای ورود نهادهای صنفی دانش آموختگان (نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی)

اکنون پس از گذشت حدود سه سال از تاسیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، این سازمان با فراهم آوری زمینه همکاری با بخش های مختلف وزارت جهاد کشاورزی و تدوین قواعد و مقررات زیربنایی (زیرساختی)، امیدواری برای بالفعل نمودن تواناییهای بالقوه را افزایش داده یافته است، از جمله این زمینه ها که ضمانت اجرایی اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی را تسریع خواهد نمود عبارتند از:

امضاء تفاهم نامه های همکاری میان معاونت ها و بخش های تخصصی وزارت جهاد کشاورزی با سازمان نظام مهندسی: این تفاهم نامه ها که از جمله با معاونت ترویج و نظام بهره برداری، سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری، معاونت امور دام و ... منعقد شده است در راستای واگذاری امور دولت به تشکلهای و نیز کوچک سازی و تولی گری در ساختار دولت می باشد. اجرا نمودن این تفاهم نامه ها، مستلزم فراهم سازی ساز و کارهای لازم است.

تصویب طرح های خدمات مشاوره دانش آموختگان کشاورزی و منابع طبیعی

تصویب طرح های خدمات مهندسی و اجرایی (پیمانکاری) دانش آموختگان کشاورزی و منابع طبیعی

زمینه یابی طرح های تولیدی اشتغال دانش آموختگان

تدوین آئین نامه احراز صلاحیت و رتبه بندی خدمات مشاوره اشخاص حقیقی و حقوقی در حیطه کشاورزی و منابع طبیعی
تصویب و تدوین آئین نامه تشخیص صلاحیت و رتبه بندی اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی خدمات اجرایی فنی مهندسی (پیمانکاری) کشاورزی، منابع طبیعی و رشته های مرتبط

تصویب دستورالعمل نحوه تشکیل موسسات خدمات مشاوره شغلی و کاریابی بخش کشاورزی (حدود وظایف و نحوه نظارت بر کار آنها)

تدوین و تصویب دستورالعمل صدور پروانه اشتغال بکار اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی، خدمات مشاوره، پژوهشی و مدیریتی، خدمات اجرایی مهندسی کشاورزی، تولیدی و خدماتی بخش کشاورزی

فراهم سازی زمینه ای برای گسترش فعالیتهای نظام صنفی دانش آموختگان، بمنزله زمینه ای تلقی می شود که موجب سرعت بخشی به فعالیتهای اشتغالزای دانش آموختگان کشاورزی و منابع طبیعی خواهد شد. (۱۹)

اصلاح نظام آموزشی با جهت گیری کارآفرینی (خلق و توسعه زمینه ها و مهارتهای کارآفرینی در دانش آموختگان)

تردیدی نیست که وجهی از ناموزونی ها در اشتغال دانش آموختگان به نظام آموزشی کشور مرتبط است و این موضوع به کرات توسط محققان مورد اشاره قرار گرفته است. با توجه به تجارب محقق، واکاوی شرایط موجود نشان می دهد که دانش آموختگان کشاورزی دانشگاهها از آموزشهای کافی، بمقصد ورود به بازار کار برخوردار نیستند. در این مورد می توان به سه وجه موضوع پرداخت. اول اینکه آموزشگرانی که خود از اطلاعات تخصصی کافی برخوردار نیستند (بویژه در بخش غیردولتی)، به امر آموزش می پردازند که این نقیصه انتقال محتوا را با مشکل مواجه می نماید و منجر به ضعف اطلاعاتی و دانش اندک دانش آموختگان می شود. دوم اینکه کیفیت ارائه واحدها و آموزشهای دانشگاهی نامناسب است، محتوای آموزشی غالباً بطور تئوریک ارائه می گردد و آموزشهای پراتیک کمتر در اختیار فراگیران می باشد. سومین نکته اینست که برای تقویت نگرش و مهارت دانش آموختگان برای ورود به بازار اشتغال، و بعبارتی دانش، نگرش و مهارتهای کارآفرینی تلاش های درخور بعمل نیامده است.

بنابراین توسعه مهارتهای کارآفرینی بعنوان یک راهکار می تواند در بهبود وضع موجود کمک نماید.

اصلاح نگرش سیاستگذاران در خصوص جایگاه بخش کشاورزی در اشتغال بر مبنای توسعه اشتغال در حیطه های نوین

کشاورزی و توجه به ظرفیت های جدید

آمارهای چهل ساله اخیر (۷۵-۱۳۳۵) توزیع شاغلین در بخش های اقتصادی نشان می دهد که در طی این سالها سهم بخش کشاورزی از ۵۵/۵۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۳/۰۴ در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است (تعداد شاغلین ۳۲۸۱۱۲۵ نفر به ۳۳۵۷۲۶۳ نفر). بطور متوسط در طی این سالها (کل دوره) رشد سالانه ای برابر با ۰/۰۶ درصد داشته است. (۲۱)

گمان می رود ملاحظه این روند موجب شده است سیاستگذاران در اشتغال، سهم چندانی برای بخش کشاورزی قائل نباشند، در حالیکه بنظر می آید بخش کشاورزی قابلیت های بالقوه ای دارد که می تواند در اشتغال پایدار مورد محاسبه قرار گیرد. از جمله این ظرفیت ها، تمرکز بر زیربخش های دانش بر در کشاورزی است. بر مبنای آمارها، میزان دانش ببری در زیربخش های خدمات، نهاده ها و دامپروری بیشتر از سایر زیربخش ها است (۱۲)، بنابراین با عطف توجه بچنین نگرشی می توان سهم اشتغال دانش آموختگان را ارتقاء بخشید. افزایش تعداد شاغلین و بهره برداران بخش کشاورزی در سرشماری ۱۳۸۲ از همین روی قابل تامل است.

اگر چه در شرایط حاضر، اطلاعات مستندی در خصوص وضعیت مشاغل نوین در مناطق روستایی وجود ندارد، اما مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که اشتغال بهره‌برداران عمدتاً در حوزه‌های مستقیم و سستی تولید می‌باشد، بدلیل تفاوت‌های ساختاری حاصله در کشور و دگرگونی الگوی تغذیه، گرایش به قلمرو نوین کشاورزی از جمله واحدهای صنعتی بزرگ، واحدهای تبدیلی خرد، واحدهای پراسس و فرآوری محصولات کشاورزی و نیز تولیدات نوین (چون قارچ، گیاهان دارویی، گل و گیاهان زینتی، پرورش شتر مرغ و بلدرچین) ضرورت توجه به مشاغل جدید را افزایش داده است. فعالیت در این حوزه‌ها عمدتاً به تحصیل کنندگان و دانش آموختگان کشاورزی وابسته خواهد بود.

گسترش بخش خدمات و صنعت در مشاغل روستایی-کشاورزی

در کنار ترغیب به اشتغال نوین در کشاورزی، افزایش سهم بخش‌های خدماتی و صنعتی در کشاورزی و مناطق روستایی راهکار مورد نظر دیگر تلقی می‌شود.

بررسی روند تحولات شاغلین بخش خدمات در طی سالهای ۷۵-۱۳۳۵ نشان می‌دهد که در بخش خدمات از همان ابتدا تمرکز شاغلین در مناطق شهری بوده است بطوریکه در سال ۱۳۳۵ بیش از ۶۳ درصد شاغلین این بخش در مناطق شهری زندگی می‌کرده‌اند. (۲۱)

همانطوریکه در جدول شماره آمده است، در طی سالهای گذشته، سهم بخش خدمات در مناطق روستایی افزایش یافته است بطوریکه از ۹/۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۲ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است (۶).

جدول شماره (۸) تغییرات اشتغال در بخش خدمات در مناطق روستایی / درصد

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵
درصد	۹/۶	۲۰/۷	۲۱/۴	۲۲

ماخذ: منبع شماره ۶

این وضعیت البته مسرت بخش می‌باشد اما نکته مهم، یادآوری ضرورت حرکت از خدمات سستی به خدمات نوین و علمی در بخش کشاورزی (روستایی) می‌باشد. گسترش مشاغل خدماتی توسط دانش آموختگان بخش کشاورزی در قالب آژانس‌ها، شرکتهای خصوصی، موسسات ارائه خدمات فنی، آموزشی-ترویجی، مشاوره‌ای و... موجب گسترش فعالیتهای شغلی خدماتی در روستاها خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مدیریت و سیاستهای آموزش عالی بطور عام و آموزش کشاورزی بطور خاص، تابعی از برخی متغیرها و پارامترهاست که بازار کار یکی از مهمترین آنهاست. بطوریکه نمی‌توان تصور نمود آموزش کشاورزی در برابر اشتغال دانش آموختگان خود بی تفاوت باشد.

از این روی، و به این اعتبار که موضوع اشتغال دانش آموختگان کشاورزی، می تواند بر سیاستهای جذب و پذیرش فراگیران تاثیر بگذارد، تلاش شده است تا این موضوع مورد کنکاش قرار گیرد.

در این پژوهش با اشاره به عواملی چون حق اشتغال، ابعاد روانشناختی و جامعه شناختی، الزام بهره وری در برنامه چهارم، لزوم کاهش نرخ بیکاری، مواجهه با کاهش ضریب روستائینی، جوان گرایی در شاغلین بخش کشاورزی و انسداد در اشتغال دولتی الزامات و ضرورتهای مواجهه قاعده مند با این پدیده مورد بحث قرار گرفت.

در بخش دوم پژوهش، راهکارها و چاره های مهم برای بهبود وضع موجود و ترسیم یک افق امیدوارانه برای اشتغال دانش آموختگان در قلمرو کشاورزی، به تفصیل برشمرده شده است. از همین منظر پیشنهاد های ذیل برای آینده ارائه گردید:

تاکید بر هدف گزینی نظام ترویج در برنامه چهارم (توجه به ترویج مشاوره ای)

دگرگون سازی نیروی انسانی وزارت جهاد کشاورزی (جایگزینی)

بازنگری در وظایف دولت در بخش کشاورزی و اصلاح ساختار سازمانی از بعد نقشها و وظایف

کوچک سازی ساختار کشاورزی از طریق توسعه بخش خصوصی و خوداشتغالی

فراهم سازی زیرساخت های قانونی برای ورود نهادهای صنفی دانش آموختگان (نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی)

اصلاح نظام آموزشی با جهت گیری کارآفرینی (خلق و توسعه زمینه ها و مهارتهای کارآفرینی در دانش آموختگان)

اصلاح نگرش سیاستگذاران در خصوص جایگاه بخش کشاورزی در اشتغال بر مبنای توسعه اشتغال در حیطه های نوین کشاورزی و توجه به ظرفیت های جدید

گسترش بخش خدمات و صنعت در مشاغل روستایی-کشاورزی

منابع و مأخذ:

- ۱- آشناگر، مجید. (۱۳۸۳). "مشکل بیکاری حل خواهد شد؟" ضمیمه اقتصادی روزنامه ایران، سال دهم شماره ۲۷۷۰، دوم اردیبهشت.
- ۲- آقاسی زاده، فتح اله. (۱۳۷۹). بررسی وضعیت نیروهای انسانی دولت در بخش کشاورزی با تاکید بر طرح های عمرانی، گزارش منتشر نشده.
- ۳- آقاسی زاده، فتح اله. (۱۳۸۳). بازسازی ساختار سازمانی ترویج کشاورزی ایران، رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ۴- امینی، علیرضا. (۱۳۸۴). بررسی سیاستهای کاهش بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهها، دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۵- زمانی، غلامحسین. (۱۳۸۰). برآورد نیروی متخصص مورد نیاز و آسیب شناسی اشتغال دانش آموختگان بخش کشاورزی، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- ۶- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۸). اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران،
- ۷- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۸۳). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)
- ۸- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. (۱۳۸۳). سالنامه آماری کارکنان دستگاههای اجرایی کشور در ابتدای سال ۱۳۸۲.
- ۹- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. (۱۳۸۲). قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸).
- ۱۰- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. (۱۳۸۰). گزارش عملکرد دولت .
- ۱۱- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. (۱۳۸۳). گزارش ربع قرن عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۶-۱۳۸۱).
- ۱۲- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (دفتر اقتصاد کلان). (۱۳۷۹). بررسی وضعیت اشتغال نیروی کار.
- ۱۳- غریب رضا، عبدالمجید. (۱۳۷۸). راهکاری برای ایجاد اشتغال در ایران، مقاله برگزیده تحول اداری (ارائه شده در جشنواره شهید رجائی)، سازمان امور اداری و استخدامی کشور.
- ۱۴- غریب رضا، عبدالمجید و همکاران. (۱۳۸۲). بررسی چالش ها و جهت گیری های اهداف بخش کشاورزی و منابع طبیعی در قوانین برنامه های اول، دوم و سوم توسعه کشور، همایش سیاستها و مدیریت برنامه های رشد و توسعه در ایران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- ۱۵- طایی، حسن، بازشناسی و پیش بینی وضعیت منابع انسانی کشور. (۱۳۸۲). موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- ۱۶- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۳). سالنامه آماری کشور سال ۱۳۸۲.
- ۱۷- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۳). نتایج تنزیلی سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۸۲.
- ۱۸- معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. (۱۳۸۳). منطقی نمودن اندازه دولت (از ۷ برنامه تحول در نظام اداری).
- ۱۹- نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی ایران. (۱۳۸۲). گزارش فعالیتهای انجام شده، سازمان مرکزی .
- ۲۰- نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی ایران. (۱۳۸۲). طرح اشتغال ده هزار نفر فارغ التحصیلان کشاورزی.
- ۲۱- وزارت جهاد سازندگی، دفتر مطالعات جامع و نظارت. (۱۳۷۷). تحلیل روند تحولات شاغلین کشور در بخش های عمده اقتصادی (ج ۲)، سند شماره ۴۸۰.
- ۲۲- وزارت کار و امور اجتماعی. (۱۳۸۳). گزارش سیمای بازار کار ۱۳۸۱، روزنامه ایران: گزارش تحلیلی از بازار کار کشور، دوم اردیبهشت.